

**تیر زدی ، تبر زدی ، برتن بی سپر زدی !**

هنوز هفت روز تمام نشده که قصابان نوری المالکی در مقابل دیدگان نیروهای آمریکایی ، فرق مجاهدین بی سلاح اشرف را شکافتند و سینه هایشان را آماج گلوله های مستقیم کردند ، ولی هنوز "جامعه جهانی" کذابی را خفقانی مرگبار فرا گرفته و مدعیان حقوق بشر ! همانگونه که دیروز ، به نظاره نشسته اند .

در آغاز عروج مسیحای سیاه در ینگه دنیا ، طی مطلبی اشاره بدان داشتم که اینبار ما در هزاره سوم ، با فریبی بی مانند چنگ در چنگیم که بسا پیچیده تر و با چلچراغی بسا نورانی تر به مصاف بشریت معاصر آمده است . امروز در اشرف ، فراتر از وزن و شان آن در معادلات ایران و جهان ، گوشه کوچکی از این فریب هزاره سوم به میانه میدان افشاگری کشیده می شود .

مطلب از این قرار است : آیا می توان دولتی را که به امضاهای خود بر پای اسناد رسمی وفا نمی کند ، شایسته ذره ای اعتماد و اطمینان دانست ؟ همین . بیشتر هم نه !

در اینجا اما آنچه که می نویسم دیگر ربطی به سیاست ندارد . ربطی به استراتژی و تاکتیک و به معادله قدرت هم ندارد . واژگانی که بی اختیار بر صفحه روان می گردند ، تراشه های انفجار خشمی است که جدای از درست و غلطهای دنیای سیاست معمول ، بر قلب و روح انسان ایرانی فرود می آید و فراز می رود . خطابم به زنان و مردانی است که اینک در غربت بیابانهای کشوری دیگر ، مظلومیت عریان خلقی را بر فرازهای تاریخ معاصر ایران نمایندگی می کنند و چه کسی است که نداند ، سلاحی برتر از سلاح مظلومیت ناب نیست که تا فراسوی جان و روان هر آنکه نشانه ای از انسانیت هنوز در وجودش باقی مانده باشد ، رسوخ می کند و آتش می زند و بر می انگیزد و بر می انگیزاند و چنین است که اینک پس از نزدیک به سی سال ، یکبار دیگر صحنه سیاسی ایران را یکپارچه می کند و بدفاع از شماییان بر می انگیزاند تا آنجا که پسر شاه را نیز به موضعگیری آشکار وامی دارد .

تیر و تبرهایی که در غربت بر تنهای بی سپرتان فرود آمد ، بزرگترین همایش همبستگی ملی واقعی را نه در حرف که در عمل تحقق بخشیده است . تردید نکنید که رژیم تازیانه و دار و مزدوران عراقیش با ارتکاب چنین جنایت آشکاری ، مرتکب خطایی بزرگ گردیده اند . تمامی تلاشها و دستاوردهای مستمر سی سال جنگ روانی رذیلانه حاکمیت ارتجاعی خود در منزوی کردن شماییان را در این هفت روز ، بسرعت باد و برق ، با سیل اشکهای ما روبیدند و به دره ها ریختند .

"بابی انت و امی" . پدر و مادرم به فدایتان که سالهاست پس از موسی ، پس از برادرم و همسرم و مادرم ، هرگز ، هرگز ، چنین نگریسته بودم . سالها بود که چنین لبریز از خشم و خروش و عشق و نفرت نبوده ام . دنیای سخت و سرد سیاست و مبارزه انقلابی ، انسان را سخت می کند . با این اشکها ، روان آدمی تلطیف و تعادلی دوباره می یابد .

نوری المالکی و تمامی آمران و عاملان این جنایت وحشیانه بدانند که دیر یا زود به سزای اعمالشان خواهند رسید . دیر و زود دارد ، سوخت و سوز ندارد . هنوز که هنوز است جنایتکاران نازی در گوشه و کنار جهان ، پس از گذشت بیش از شصت سال واندی ، در دوران کهولت نیز ردیابی شده و به دادگاه کشیده می شوند . این نه به خاطر آنست که بیشتر از دیگر جانیان تاریخ جنایت کرده اند . نه ، نه . تنها به این دلیل ساده که "اراده ای" زورمند در پشت صحنه یقه آنان را رها نکرده و نمی کند . در اراده مجاهدین در رها نکردن یقه هایتان تا آروز که نقاب اندر خاک بکشید ، تردید نکنید .